



۳ از خودمان شروع کنیم
۴ ما صاحب داریم



درآستانه

رواق

مکتب امام حسین (ع)



انسیه ربیعی



اربعین و جامعه پذیری

عبداللہ شمسی

مدرسه امام حسین علیه السلام دربردارنده مفاهیم آموزنده‌ای است؛ از جمله یکی از عالی‌ترین درس‌های حسینی بحث «ظلم‌ستیزی» است. مراسم پیاده‌روی اربعین یک مراسم مذهبی مسالمت‌آمیز است که برای ابراز محبت به امام حسین علیه السلام و انزجار از ظلم و ظالمان برگزار می‌شود.

امام حسین علیه السلام در کربلا خطاب به یاران‌شان فرمودند: «أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يَعْمَلُ بِهِ، وَأَنَّ الْبَاطِلَ لَا يَتَنَاهَى عَنْهُ لِيَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُجْتَبِئًا، فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً، وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرْمًا» (مقرم، ۱۳۹۴ ق، ص ۲۳۱)؛ مگر نمی‌بینید که بر پایه حق رفتار نمی‌شود و از باطل دوری نمی‌گردد؟ حقا که مؤمن باید در این شرایط به دیدار خداوند راغب باشد که به نظر من باید شهادت را به جای مرگ طبیعی برگزید، نه زندگی با ستمگران را که مایه رنج است.

همچنین هنگامی که اباعبدالله در محاصره کامل سپاه یزید قرار گرفتند و سرنوشت حیات و بقای ظاهری ایشان در گرو تسلیم شدن یا امتناع از بیعت با یزید قرار گرفت، ایشان با کلمات تاریخی و سخنان جاودان‌شان، آزادگی و ظلم‌ستیزی خود را اعلام می‌کنند: «لا والله، لا أعطيهم ۸ ببیدی إعطاء الدليل و لا أفتر فرار العبيد» (قرشی، ۱۴۲۹ ق، ج ۳، ص ۱۹۴)؛ نه به خدا سوگند به دست خود و ذلیلانه خودم را به شما نخواهم سپرد و همچون بندگان بی‌اختیار فرار نمی‌کنم.

زائری که پرچم یا حسین در دست دارد و به سوی میعادگاه حسینی حرکت می‌کند، هنجارهای ظلم‌ستیزی و حمایت از مظلومان در او نهادینه می‌شود. در واقع، احیای شعائر حسینی نشان‌دهنده مودت و محبت نسبت به امام علیه السلام و ادای حق ایشان و موجب زنده شدن نام و یاد و اهداف امام حسین علیه السلام است.

اگر سوال شود رسالت اربعین چیست؟ به وضوح می‌توان پاسخ داد که رسالت آن زمینه‌سازی تشکیل امت واحده و در نهایت جامعه و حکومت جهانی مهدوی است.

به این معنا که محبت حسین علیه السلام در موعد اربعین جمع‌کننده شیعیان و غیر شیعیان را به سوی میعادگاه کربلا جذب می‌کند، مراودات و تعاملاتی بین افراد در سایه محبت و مرام حسینی صورت می‌گیرد که دلها و سپس عقول آنها را به یکدیگر نزدیک می‌نماید، این مراودات نوعی وحدت نظری و عملی را پدید می‌آورد که شالوده جامعه‌ای نوپدید از نوع امت واحده شیعی و سپس اسلامی خواهد بود.

در سایه این وحدت، اقبال برای انتقال و درونی‌سازی ارزش‌ها و هنجارها شکل‌فزاینده‌ای به خود می‌گیرد، در واقع نوعی جامعه‌پذیری دینی مبتنی بر تزکیه و تعلیم ظهور می‌کند که ارزش‌ها و هنجارهایش با محوریت مرام و مسلک حسینی مرزهای جغرافیایی را در نوردیده و جامعه بی‌مرز معنوی شیعی، سپس اسلامی (تمدن اسلامی) شکل داده و در آخر به جامعه جهانی مهدوی ختم خواهد شد.

بنابراین اربعین نماد و پایگاه تجمیع افراد، مسیر شکل‌گیری وحدت شیعه، ایجاد تمدن نوین اسلامی و امت واحده است که زمینه آموزش و انتقال مستمر و فزاینده ارزش‌ها و هنجارهای (جامعه‌پذیری) مبتنی بر توحید را که همان هدف و روش امام حسین علیه السلام و اساسنامه و مرام تحقق جامعه و حکومت مهدوی است فراهم خواهد کرد.

If you aspire for love, Hussain is your answer.

إذا كنت تطمح إلى الحب، فالحسين هو جوابك.

اگر طالب عشقی، حسین پاسخ توست.

قطع شدن دستم معجزه الهی بود!

فریامهدی پور

بعد از خوردن جرعه ای آب، ادامه داد: در آن موقع من حدود سی سال سنم بود؛ که از ترس صدام راهی بصره شدم برای کشتن برادران مسلمان خودم.

وی ادامه داد: خدا می داند تمام مسیر دعا می کردم دستم به خون کسی آلوده نشود و بالاخره در منطقه هویزه همان روز اولی که رسیدم ۳ تا ترکش به دستم خورد و از سه ناحیه بازو، آرنج و کف دست، دست چپ آسیب جدی دید. و این شد که همان روز اول مرا به پشت خط منتقل کردند و چون دوا و درمان درست و حسابی نشدم بعد از یک هفته دستم را در بیمارستان باب المعظم بغداد قطع کردند و بدین ترتیب برای همیشه از رفتن به جهاد معاف شدم؛ و این بزرگترین معجزه زندگی بود.

با وجود نداشتن یک دست الان چکار می کنید؟ شغلتان چیست؟

از قطع شدن دستم بسیار رضایت دارم، ما مثل شماییم، مسلمان و دوستدار اهل بیت، ما شما را دوست داریم، من خودم اهل نجف و در حال حاضر خادم این مسجد هستم و در این جا شب و روز خدمتکار زائران اهل بیت هستم و افتخار می کنم.

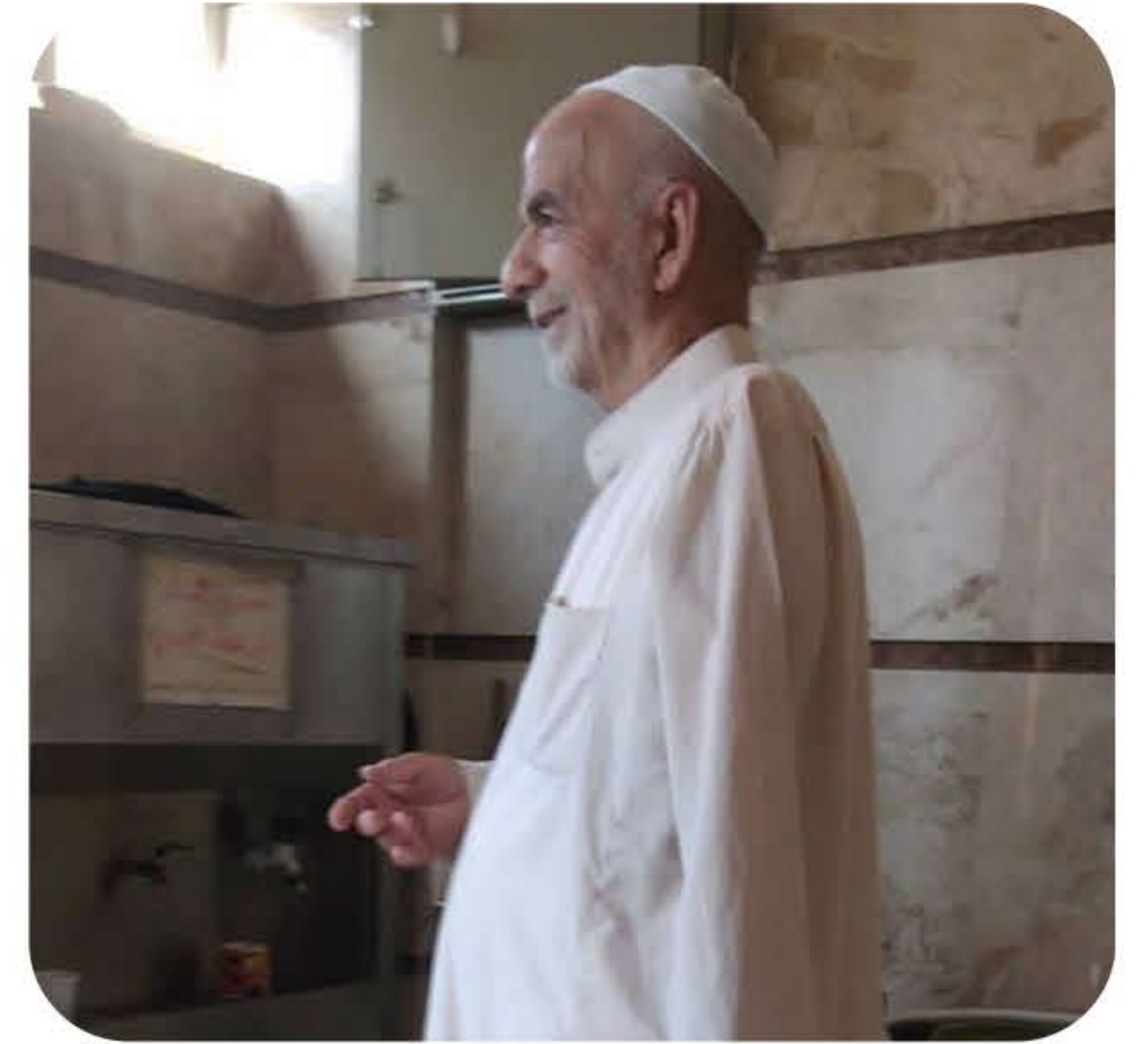
ازدواج کردید؟ چند فرزند دارید؟

بله بعد از معاف شدن از جلال به شهرم نجف برگشتم، ازدواج کردم و صاحب ۶ فرزند شدم، الان نوه هم دارم.

و حرف آخر...؟

ما مردم عراق هیچ وقت راضی به جنگ با هم دینان خودمان نبودیم ما را به زور وادار به جنگ با شما کردند، این را به مردم ایران بگویید آنها برادران ما هستند.

۲۵ سال است که کار خدمت رسانی به زوار سید الشهداء علیه السلام و میهمانان امام علی علیه السلام را در «جامع الامام علی بن ابی طالب علیه السلام» واقع در بلوار المثنی نجف با یک دست انجام می دهد. در آستانه اربعین حسینی و حرکت عزاداران از نجف به کربلا، مصاحبه کوتاهی با یک خادم گمنام انجام دادیم.



دستتان چه شده است؟

در سال ۱۹۸۵ میلادی یعنی سال ۶۳ هجری شمسی، به عنوان جیش الشعبی یا همان خدمت ضروری از طرف صدام برای جنگ کردن با برادران مسلمان ایرانی فراخوانده شدم. در آن زمان هر کسی در عراق از رفتن به جنگ سر باز می زد؛ صدام او را جلوی درب منزلش اعدام می کرد.

(او هنگام به یاد آوردن خاطرات تلخ جوانیش بغض کرده بود و در حالیکه اشک در چشمانش حلقه زده بود) ادامه داد: یکی از دوستان نزدیکم را ماموران صدام بردند و وقتی از رفتن به جنگ سر باز زده بود او را اعدام کردند و جسدش را تحویل مادرش دادند. (اشک از چشمانش سرازیر شد...)



پنجم

تجدید میثاق

زیارت اربعین، نوعی «تجدید میثاق» با امام حسین علیه السلام و اهل بیت و امامان معصوم علیهم السلام است. ابراز وفاداری نسبت به آنان و راه و مرامشان، ابراز عداوت و براءت نسبت به قاتلان و دشمنان آنان، توبی و تبری، اعلام آمادگی برای جان فشانی در راه مقدس آنان، بیان مواضع و همبستگی با خط نورانی اهل بیت پیامبر، تبعیت و تسلیم و نصرت، شناخت چهره های حق و باطل و رهبران «نور» و «تاری» و مسئله جهاد و شهادت و خط ایثارگری در راه مکتب و عقیده، که دستاورد شناخت فلسفه عاشورا و قیام حسینی است.

ثواب زیارت اربعین

امام صادق علیه السلام درباره ثواب زیارت امام حسین علیه السلام با پای پیاده می فرماید: «کسی که با پای پیاده به زیارت امام حسین علیه السلام برود، خداوند به هر قدمی که برمی دارد یک حسنه برایش نوشته و یک گناه از او محو می فرماید و یک درجه مرتبه اش را بالا می برد، وقتی به زیارت رفت، حق تعالی دو فرشته را موکل او می فرماید که آنچه خیر از دهان او خارج می شود را نوشته و آنچه شر و بد است را ننویسند و وقتی برگشت با او وداع کرده و به وی می گویند: ای ولی خدا! گناهانت آمرزیده شد و تو از افراد حزب خدا و حزب رسول او و حزب اهل بیت رسولش هستی، به خدا قسم! هرگز تو آتش را به چشم نخواهی دید و آتش نیز هرگز تو را نخواهد دید و تو را طعمه خود نخواهد کرد.

کامل الزیارات، ص ۱۳۴

محمد سلوکی درباره حس و حال پیاده روی اربعین و سفر به کربلا می گوید: من خدا را شکر می کنم که چند بار این افتخار نصیبم شد تا سفر کربلا را تجربه کنم؛ دو بار با هنرمندان و یک بار همراه پدر و مادرم، این راه را پیاده رفتیم. مطمئناً این مسیر و سفر به داشته های روحی و زیبایی های ذهنی ام افزود.

وی افزود: بسیار خوش گذشت و دلچسب بود. اگر فرصت نمی شد با دوستان غیر از کار و مشغله صحبت کنیم آنجا درباره فلسفه امام علیه السلام صحبت می کردیم. با رفتارهای شخصیتی هنرمندان آشنا می شدیم و البته در دل این اتفاقات، صحنه هایی را می دیدیم که هنوز هم برایم کلاسِ درسی است. آن خلوص نیت و احساس خوبی که از سوی زائرین منتقل می شد. شخصیت هایی که اعتبار شغلی و معرفتی شان آنقدر بالا بود که در مسیر می نشستند و خاک کفش زائران را می گرفتند. به شدت دلتنگ آن سفرم و امیدوارم هرچه زودتر قسمت شود.



این مجری با اشاره به اینکه نمی توانم زیارت امام حسین علیه السلام را فراموش کنم، گفت: من هیچ وقت نمی توانم آن شوق و ذوق ایرانی ها را برای زیارت امام حسین علیه السلام فراموش کنم.

وقتی از لحظه لحظه حضورشان با تمام مشکلاتی که وجود داشت بهره می بردند. تصاویر و عکس ها را

می بینم و پیش می آید؛ تلویزیون می بینم همه آن زیبایی ها دوباره به یادم می آیند. ان شاء الله باز هم این فرصت فراهم شود و برویم و لذت ببریم.

او درباره ماجرای چایی ریختن آقای مجری در کربلا، تصریح کرد: جالب است در موكب مسجد جمکران، کنار دوستان چایی می دادیم یا دستمال از سر می افتاد و یا عینک برمی داشتیم، مردم ما را می دیدند رودربایستی پیدا می کردند و می خواستند چایی را از ما بگیرند و خودشان این کار را بکنند. اما واقعاً لذت بخش ترین و فوق العاده ترین اتفاقی که در زندگی ام تجربه کرده ام این بود. البته به اتفاق پدر و مادرم هم رفتم عین بهشت بود.

سلوکی افزود: فضای عرفانی که در بین الحرمین داشتم و تجربه کردم، برخی اوقات که گرفتاری و پیچیدگی های زندگی درگیرم می کند آن سجاده، جانماز و مهر و تسبیح که مثل خیلی های دیگر از این سفر به یادگار آورده ام به این فضا پناه می برم. در این دلتنگی ها از خدا می خواهم دوباره این لذت و حال خوش را به ما بدهد.

اگر به شهرهای عراق سفر کرده باشید یا در یکی از پیاده روی های اربعین حضور داشته اید به راحتی می توانید تفاوتی از نگاه سیما و منظر و پاکیزگی محیط شهری با شهرهای خودمان در ایران احساس کنید.

همان گونه که می توان به راحتی تفاوتی از آداب شهروندی و مبلمان شهری جزیره کیش با دیگر شهرهای ایران لحاظ کرد.

شاید برجسته ترین نکته ای که هر زائر بعد از بازگشت به ایران برای منتظران خود بازگو و نقد کند همین وضعیت نظافت در خیابان ها و پیاده روها و کم دقتی در مسائل بهداشتی باشد.

دریافت پاسخ در قبال طرح این موضوع از دو نگاه قابل بررسی است:

۱. نقطه نظرات و دیدگاه های خود را با آگاهی نسبتاً کاملی از فرهنگ عمومی مردم عراق در رسانه های بین المللی مطرح کنیم. هرچند که رعایت مسائل بهداشتی نظافت و سیما شهر جزو ابتدایی ترین مسائل برای ورود گردشگر یا زائر است ولی بدون شناخت کامل از فرهنگ و آداب و رسوم این شهرها نمی توان به توافق همه جانبه ای رسید.

۲. انتقادات از موارد موجود را به صورت کامل به دستگاه سیاسی و دیپلماسی کشورمان منتقل شود تا بتواند در گفتگوها و توافق های آینده، برای رعایت حال زائر لحاظ کنند.

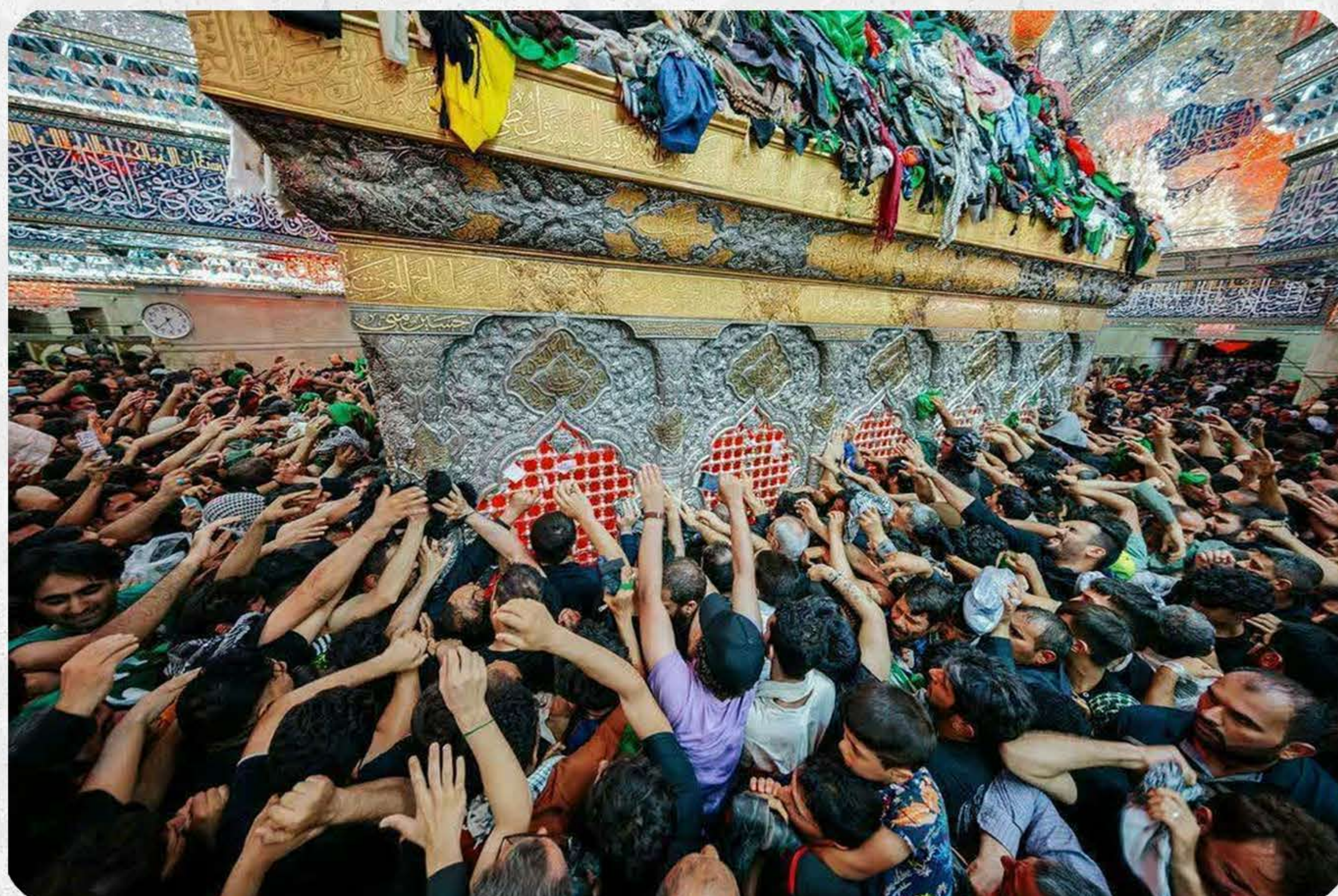
۳. تکلیف ما به عنوان زائر چیست؟ ما باید هم رنگ جماعت شویم یا جماعت هم رنگ ما؟

هر چند در این مسائل وجود زیرساخت ها و الگوهای شهری، می تواند رفتارهای اجتماعی شهروندان را رقم بزند لیکن باید به دنبال گامی باشیم که بتوانیم برای بهبود وضعیت تغییری دهیم نه آرزو کنیم و آن گام، گام اول است و چیزی جز نحوه برخورد ما با این مسئله نیست.

یعنی همان شعار "شهر ما خانه ما" که سالهای مدیدی، شهرداری های ایران برای فرهنگ سازی آن تلاش کرده اند و ما می توانیم به این شهرها صادر کنیم.

به سخنی دیگر: از خودمان شروع کنیم و یادمان باشد در طول مدت پیاده روی اربعین حضور بسیاری از پرسنل خدمت شهرداری های ایران و حرکت مردمی و جهادی برخی شهروندان در کنار مردم و نیروهای خدمات شهری عراق ستودنی بود.

نکته پایانی اینکه بروز چنین صحنه هایی و اعمال خدمات رسانی به این اندازه زائر با توجه به زیرساخت های موجود شهرهای عراق در حال حاضر امری غیر قابل پیش بینی نیست.



سَفِينَةُ النِّجَاةِ
rescue ship
کشتی نجات

خدا کند ما را هم قبول کنند

کیوان امجدیان

نا داشتیم. گرما امان مان را بریده بود، اما دیدن عمودهای آخر و تابلوی کربلا توی مسیر، یکباره همه چیز را عوض کرد. باورش سخت بود. فکر رسیدن به کربلا نیروی تازه‌ای به همه کاروان داده بود. حس و امید رسیدن، خستگی را از تن مان درآورده بود. اما انگار پاها شرم داشتند با کفش تا کربلا بروند. انگار از اهل بیت امام خجالت می‌کشیدند.

شروع کردیم به درآوردن کفش‌هایمان. بعضی از بچه‌ها کفش‌هایشان را با بند، به کیف‌شان آویزان کرده بودند. یاد حر افتادم. حر ابن یزید ریاحی، وقتی می‌خواست با تمام خطاهایی که کرده بود، از امام حسین علیه السلام عذرخواهی کند. حری که چکمه‌هایش را پر از خاک و سنگ کرد و سر به زیر انداخت و رفت طرف ارباب.

این شد روضه مجسم! همه اشک می‌ریختند و با امام نجوا می‌کردند، هر کسی یک نفر از اهل بیت خطاب قرار می‌داد. گمان می‌کنم توی آن شرایط، همه حس و حال مرا داشتند. به کفش‌هایم که دور گردن آویزان بودند، زل زده بودم و گفتم: «خدا کند ما را هم قبول کنند...!»



از شور اربعین تومی ترسد

بعد از هزار و سیصد و اندی سال، اهریمن از نگین تو می‌ترسد
شمشیر کین هنوز به قربانگاه، از حلق نازنین تو می‌ترسد
آن آتشی که خیمه‌گهت را سوخت، گرم است همچنان به خردسوزی
چون کاهدان، بساط فریب اما، از آه آتشین تو می‌ترسد
شیپور مکر و سفسطه و تحریف، امروز نیز در کف رندان است
بانگش رسیده تا به فلک اما، از منطق متین تو می‌ترسد
تزویر از صراحت رفتارت، زور و زر از تبلور ایثارت
توجیه از فصاحت گفتارت، تردید از یقین تو می‌ترسد
خودکامه‌گان تجسم آن سنگ‌اند، سنگی که خورده بود به پیشانیت
خونت هنوز مانده به دامانش، اما خود از جبین تو می‌ترسد
آن نی که در سفر سر خونینت، آیات وحی بر سر آن می‌خواند
در کوی و برزن است هنوز اما، از صوت دلنشین تو می‌ترسد
امروز اگرچه مغرب ویرانگر، تسخیر کرده است ثریا را
با گنبد دفاعی پولادین، از عزم آهنین تو می‌ترسد
تا نشنود بشر کلمات را، اصحاب شر به هلهله مشغول‌اند
چون لشکر یزید ولی دشمن، از بانگ پرتنین تو می‌ترسد
بنگر که ساحران نوین از عجز، سر را بر آستان تو می‌سایند
ای وارث کلیم! هنوز آن مار، از جوف آستین تو می‌ترسد
سوی تو آمدند پی پابوس، مردم ز شرق و غرب چو اقیانوس
زین رو سپاه سفسطه و سالوس، از شور اربعین تو می‌ترسد

افشین علا | شهریور ۱۴۰۲

خبر

مسابقه قرآنی در موکب شهدای اسفندقه



همزمان با پیاده روی اربعین حسینی، به ابتکار امور فرهنگی موکب شهدای اسفندقه مسابقه قرآن ویژه کودکان و نوجوانان برگزار شد. این مسابقه با استقبال خانواده‌ها و فرزندان مواجه شد و در پایان به شرکت کنندگان جوایزی اهدا شد.

ما صاحب داریم



مجید شهریاری، بازیگر مطرح سینما و تلویزیون در مصاحبه با خبرنگار عطش از دعوت عجیبش برای حضور در حماسه اربعین امسال می‌گوید. او که به شهر نجف سفر کرده می‌گوید: من ۱۶ مرداد امسال در یک برنامه در شبکه ۲ سیما به مجری برنامه گفتم من ۴۰ سال است که دارم برای امام حسین علیه السلام می‌خوانم و از او گلایه دارم که چرا من را صدا نمی‌زند. وی می‌افزاید: پس از این برنامه تلویزیونی دو روز بعد برای من پیامک آمد که شما برای سفر زیارتی کربلا در ایام اربعین دعوت شده اید.

وی که بغض گلویش را گرفته در پاسخ به این سوال که چه احساسی از این سفر دارید می‌گوید: اصلاً نمی‌توانم حسم را بیان کنم. ما همایشی بزرگ‌تر از پیاده روی اربعین در هیچ جای دنیا نداریم که از تمامی ملل دنیا برای زیارت امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام می‌آیند و با پای پیاده مسیر نجف به کربلا را می‌پیمایند.

مجید شهریاری، تصریح می‌کند: هر کس در ایام اربعین به زیارت امام حسین علیه السلام نیامده حتماً یک بار این سفر را تجربه کند تا ببیند چه تفاوتی با دیگر سفرها دارد. وی می‌افزاید: ما صاحب داریم و صاحب ما امام حسین علیه السلام است.

صاحب امتیاز: موکب فرهنگی رسانه‌های عطش | سردبیر: علی حیدری | صفحه آرایی: محمد رضایی

تحریریه افتخاری عطش: حسین شهابی، حکمت قاسم‌خانی، حسن همیشه بهار، فریبا مهدی پور | با تشکر از فاضل یادگاری، محمد محتشم، طاها خوش‌نیت، صالح غیاث

